

مسئولیت رسانه ها در جبران ضرر ناشی از نشر اکاذیب

مسعود دهباشی¹، رویا فنائی^{2*}

1 و 2: گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

*: ایمیل نویسنده مسئول roya.faneii@yahoo.com

چکیده

امروزه مطبوعات با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش مهمی در افزایش آگاهی داشته و بدین وسیله جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می کند. جرایم بخصوص روزنامه ها سودمندترین، فراوان ترین و ارزان ترین وسیله برای بالا بردن سطح آگاهی افراد جامعه و مبارزه با جهل و بی خبری به شمار می آیند. از سوی دیگر آنچه که امروزه بیش از پیش در جهت منفی رشد کرده است نشر اخبار کذب از سوی مطبوعات می باشد که باعث خدشه دار شدن حرمت خصوصی اشخاص می شود. از آنجا که حمایت از حیثیت و آبروی افراد و حفظ حرمت اشخاص یکی از رسالت های مهم هر حاکمیتی می باشد و در فقه اسلامی نیز حفظ حرمت اشخاص مورد توجه ویژه قرار گرفته است، لذا ضروری به نظر می رسد که در راستای پیشگیری از جرایم مطبوعاتی و جرم انگاری در قلمرو نشر اکاذیب مطبوعاتی، به اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها، اصل تناسب جرائم و مجازات ها و پاسخ های غیرکیفری نظیر جبران خسارت معنوی بزه دیده، توجه ویژه صورت گیرد. از این رو با توجه به نقش چشمگیر مطبوعات و اثر گذاری آن در جامعه، بررسی پیرامون موضوع مسئولیت رسانه ها در جبران ضرر ناشی از نشر اکاذیب هدف از انجام این پژوهش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نشر اکاذیب، جبران ضرر، مسئولیت رسانه

مقدمه و بیان مساله

انسان در قبال تمام کارهایی که انجام می‌دهد مسئول می‌باشد. چه در مقام شخص حقیق و چه در مقام شخص حقوقی. بنابراین در بسیاری از امورات مسئولیت مدنی وجود دارد. تنوع مشاغل و فعالیت های بشری نیز خود بر اهمیت مسئولیت افزوده است. از دیدگاه حقوق ایران مسئولیت مدنی بطور کلی با سه مشخصه قابل تشخیص می‌باشد که عبارتند از: ۱- وجود ضرر، ۲- فعل عامل زیان و ضرر، ۳- وجود رابطه سببیت یا علیت بین زیان حاصله و فاعل زیان. در صورت تحقق این شروط باید جبران خسارت شود. مطبوعات و رسانه‌ها نیز در ایفای نقش و مسئولیت خویش ممکن است مرتکب عملی بشوند که موجبات ضرر و زیان به شخص یا اشخاص شود که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت مدنی مطبوعات و رسانه‌ها باشد (شوشی نسب و میرشکاری، 1392). خسارات وارد شده از طریق مطبوعات به افراد، بی تردید در صورتیکه مدعی ورود خسارت بخود بتواند ثابت نماید که عمل روزنامه باعث ضرر مادی یا معنوی به وی شده است و ارکان آن را به اثبات برساند بدون تردید رسانه موظف به جبران خسارت می‌باشد. خسارات وارد شده از مطبوعات و روزنامه نگاران از دو جهت قابل بررسی می‌باشد. یک جنبه در حوزه حقوق فردی خسارت به فرد وارد می‌شود و جنبه دیگر در حوزه حقوق عمومی، که اهمیت قلمرو عمومی بدان جهت است که ضرر و زیان وارده به اجتماع و نظام اجتماعی می‌باشد لذا قانونگذار برای صیانت از نظم عمومی همواره مجازات خاطی را مورد توجه قرار می‌دهد. گرچه قانون حافظ منافع افراد و جامعه است و به عبارتی حمایت از نظم عمومی حمایت از حقوق فردی نیز می‌باشد ولی در حوزه نظم و امنیت با گذشت شاکه دعوا پایان نمی‌یابد و متوقف نمی‌شود بلکه به عنوان جرم عمومی مورد حکم قرار می‌گیرد. در این حوزه معمولاً جرایمی همچون اقدام علیه امنیت کشور، افشای اسرار نظامی و سیاست خارجی، جاسوسی، توهین به مقامات و مقدسات از جمله این جرایم هستند (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

با توجه به اینکه نشر اکاذیب در مطبوعات از شایع‌ترین جرایم مطبوعاتی است و از جمله مؤثرترین وسایل مکتوب نشر اکاذیب می‌تواند مطبوعات باشد، از طرفی با توجه به گسترش و فراگیر شدن رسانه‌ها بخصوص رسانه‌های مجازی و اینترنتی؛ اخبار با سرعت فوق‌العاده زیادی انتشار یافته و در این میان اشخاصی به عمد و با قصد قبلی و سوءنیت خاص مبادرت به انتشار اخبار خلاف حقیقت و کذب می‌کنند که برخی مواقع موجب ورود ضرر یا تشویش اذهان عمومی را فراهم می‌کند و با توجه به مسئولیتی که رسانه‌ها در قبال عملکرد خویش دارند، پژوهش حاضر ضمن مطالعه در این زمینه به این پرسش پاسخ می‌دهد که مسولیت رسانه‌ها در جبران ضرر ناشی از نشر اکاذیب چیست؟

اقسام مسئولیت

در حقوق ایران اقسام مسئولیت مورد توجه بوده است. که به سه صورت در نظر گرفته شده است. مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری و مسئولیت اضافی که در زیر به هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

1- مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عبارت از جبران ضرر و زیان و خسارت به دیگری است که این مسئولیت بر اساس رابطه‌ای دینی بین زیان‌دیده از جرم و زیان‌زننده ایجاد می‌شود. بر این اساس، شخص به جبران خسارتی که به دیگران وارد می‌کند، ملزم می‌شود و در حقیقت این الزام، ناشی از عمل منتسب و مرتبط به او نسبت به دیگری است (محمدزاده، 1395).

در حقیقت هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده است، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است. «(ماده 1 قانون مسئولیت مدنی) در اینجا منظور از مسئولیت مدنی، مسئولیت مدنی مطبوعات در قبال جرائم مطبوعاتی مورد بحث است.

مسئولیت مدنی به عنوان یکی از ارکان حقوق شهروندی شناخته می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی، نظریه‌های مسئولیت مدنی را می‌توان به نظریه‌های مرسوم و نظریه‌های ابزارگرا تقسیم کرد. مسئولیت مدنی به عنوان وسیله و ابزاری برای دستیابی به هدفهایی که از نظر اجتماعی مستقلاً قابل توجیه و مطلوب است و مسئولیت مدنی اعتبار خود را از آن کسب می‌کند، نگریسته می‌شود. این هدف‌ها عمدتاً عبارت‌اند از: کارایی اقتصادی، جبران خسارت، توزیع عادلانه خطرها و هزینه‌ها در بین کل اعضای جامعه و بازداشتن افراد از در

پیش گرفتن رفتار غیراجتماعی و زیان بار در آینده. در مسئولیت مدنی هنگامی که زیانی به بار می آید آنچه مطرح می شود تنها مشکل زیان دیده و واردکننده زیان است و وظیفه نظام مسئولیت مدنی این است که ضمانت اجرای حقوق و تکالیفی را که آن دو در مقابل هم دارند، فراهم کند و از مسئولیت مدنی نمی توان به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف های اقتصادی و اجتماعی استفاده کرد؛ بنابراین، برخلاف ابزارگرایان که از دیدگاه حقوق عمومی به مسئولیت مدنی می نگرند، در این نظریه ها از دیدگاه حقوق خصوصی به آن نگریسته می شود. (بادینی، ۱۳۸۳)

2- مسئولیت نیابتی

در این خصوص مبانی فقهی و حقوقی متعدد و متفاوتی از جمله نظریه های تقصیر، انتفاع، علیت عرفی، نمایندگی، سلطه ی معنوی، اعمال کنترل، قاعده ی فقهی «لا یبطل دم امرئی مسلم»، قاعده ی اتلاف و تسبیب بیان گردیده است. براین اساس، در مسئولیت مدنی، این فاعل فعل زینبار است که اصولاً باید مسئول باشد. لکن، در مواردی قانون گذار، اشخاصی را مسئول زیان ناشی از فعل دیگری قرار می دهد که تحت حمایت و نظارت او عمل می کنند (قربانی، ۱۳۹۲) مسئولیت مدنی نیابتی به مسئولیتی اطلاق می شود که «یک شخص سرپرست (مثل کارفرما) برای رفتار غیرقانونی (و تحت تعقیب قانونی) یک زیردست و وابسته (مثل کارگر)، بر اساس رابطه ای که بین دو طرف وجود دارد، تحمل می کند.» مبانی حقوقی مسئولیت مدنی نیابتی عبارتند از نظریه تقصیر، نظریه خطر، نظریه علیت عرفی و نظریه ی انتفاع. با توجه به اینکه به مبانی مسئولیت مدنی نیابتی در فقه به طور اختصاصی پرداخته نشده، ولی این مسئولیت با برخی از قواعد فقهی مانند قاعده ی لاضرر، قاعده ی «من له الغنم فعلیه الغرم»، قاعده ی لایبطل دم امرئی مسلم، قاعده ی غرور، قاعده اتلاف و.. قابل توجیه است (صباغ، ۱۳۹۴) قصود از مسئولیت نیابتی، مسئولیت ناشی از فعل غیر است که به علت رابطه کاری به کارفرما تحمیل می گردد. به طور مثال در حقوق فرانسه، دولت و مؤسسات عمومی فقط در دو صورت مسئولیت ناشی از عمل کارمندان خود را برعهده دارند. مورد اول، مسئولیت دولت بر اثر اعمال ارتكابی مأمورین دولتی و دیگری مسئولیت در قبال استفاده مأمورین از وسیله نقلیه (عباسلو، ۱۳۸۴) همچنین وجود مسئولیت های نیابتی و محض و مسئولیت شناخته شدن افراد به دلیل اشتباه و حوادث اتفاقی غیر قابل اجتناب نوعی بودن معیار تقصیر و امکان بیمه مسئولیت مدنی جستجوی این هدف را از طریق مسئولیت مدنی با محدودیت هایی مواجه ساخته است. به همین دلیل عده ای معتقدند که از راه های دیگر مانند ضمانت اجراهای کیفری یا ایجاد انگیزه مالی و مقررات انتظامی و نظارتی بهتر می توان به این هدف دست یافت در خصوص اثر بازدارندگی مسئولیت محض و مسئولیت نیابتی، اختلاف نظر وجود دارد. عده ای معتقدند، چون در مسئولیت محض شخص هر میزان احتیاط کند، باز ممکن است مسئول شناخته شود، چنین مسئولیتی اثر بازدارنده ندارد؛ اما، عده ای دیگر معتقدند، به دلیل دشواری اثبات تقصیر، در موارد زیادی، افرادی که در واقع خطاکار هستند از مسئولیت معاف می شوند. مسئولیت محض باعث می شود تا هیچ خطاکاری از زیر بار مسئولیت نگریزد. همچنین، عده ای مسئولیت مدنی کارفرما در قبال فعل کارگر را بازدارنده نمی دانند، زیرا تقصیر را کارگر مرتکب می شود و کارفرما هر میزان احتیاط کند نمی تواند از آن جلوگیری نماید. در مقابل، عده ای دیگر معتقدند که ترس از مسئولیت مدنی، کارفرما را وامی دارد تا در انتخاب کارگزارانش دقت کند و برای جلوگیری از ورود زیان به دیگران آنان را آموزش دهد (بادینی، ۱۳۸۳).

3- مسئولیت کیفری

مسئولیت در لغت به معنای موظف بودن به انجام امور است و در بعد کیفری به معنای ملزم بودن مجرم به تحمل آثار و نتایج حاصل از جرم تفسیر می گردد؛ به عبارتی دیگر هر کس مرتکب جرم شود، در برابر بزه دیده و جامعه مسئول شناخته خواهد شد. دانشمندان حقوق جزای عرفی جرم را به فعل یا ترک فعلی اطلاق می کنند که از شخصی مسئول سرزده و در فانوگذار برای آن مجازات در نظر گرفته باشد (میلانی و توسلی، 1394) به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می شود. با این وجود، در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال، مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند که عبارتند از:

اول: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم گیری او را مشخص کند.

دوم: عمل مجرمانه‌ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد.

سوم: برای این که مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد.

مسئولیت در قانون مطبوعات ایران

مسئولیت کیفری رسانه ها و مطبوعات در نظام حقوقی ایران توأم با مسئولیت مدنی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم میباشد. شخص میتواند جبران خسارت خود را ضمن مجازات کیفری تقاضا نماید. اما بنظر میرسد مسئولیت توأمان کیفری و مدنی به معنای یکسانی جرم در جرایم مطبوعاتی نیست. بلکه جرم مطبوعاتی تفاوت هایی دارد از جمله در جرایم عمومی قصد مجرمانه شرط است که در مطبوعات حاصل اصلی تحقق خارجی جرم است. بنابراین با لحاظ این مسئولیت نمی توان در همه موارد این گونه قضاوت کرد بر این اساس رویه قضایی تاکنون در حوزه مطبوعات چنین بوده که اگر فرد مسئولیت کیفری مدیران مطبوعات را هدف گرفته دادگاه در رسیدگی فقط بدان توجه داشته است و موردی سراغ نداریم که همزمان و توأمان مسئولیت کیفری و مدنی را مورد حکم قرار داده باشد گرچه در قالب رسیدگی کیفری جرمه با جزای نقدی حکم کرده اند اما پرداخت خسارت در حق مدعی تاکنون سابقه نداشته است چنانچه مدعی بر اساس مسئولیت مدنی رسانه و مطبوعات اقدام نموده نیز دادگاه فقط به همین مسئله توجه داشته است و نسبت به آن حکم به خسارت صادر نموده و مجازات کیفری رها شده است. از سوی دیگر مسئولیت مدنی در حقوق مطبوعات به دلیل شرایط خاص رسانه و ضرورت فهم نظام مدرن رسانه ای متفاوت با نگرش سنتی به مسئولیت مدنی است لیکن ابزار مسئولیت مدنی یا ویژگی انعطاف پذیری و قابلیت تطبیق آن در موارد متعدد از برجستگی و قوت آن است که در حقوق رقابت مدرن و توسعه بخش های اقتصادی جهان به خوبی می تواند از عهده برآید. حال آنکه مسئولیت کیفری و اصل قانونی بودن جرم و مجازات، ضرورت تصریح قانون به فعل مجرمانه از عواملی است که در حوزه مطبوعات ممکن است در انطباق با مشکل مواجه شویم (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

در اینجا به برخی از قوانین مسئولیت مدنی و کیفری مطبوعات اشاره می کنیم:

مطبوعات و کتب از شناخته شده ترین رسانه ها هستند که تأثیری عمیق بر افکار عمومی دارند. منطبق با قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب 65/12/12 اجرای قوانین مربوط به مطبوعات و نشریات و تعیین ضوابط و مقررات مربوطه و تمرکز توزیع و نشر انواع آگهی های دولتی در داخل و خارج از کشور بر عهده وزارت مذکور است عموماً آنچه که مبنای مسئولیت رسانه در جبران است ارتکاب مطبوعه به فعل زیانبار است که در خصوص نشریات و روزنامه ها تبصره 4 ماده 9 قانون مطبوعات آورده است مسئولیت (به معنای عام اعم از کیفری و حقوقی) مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود (محمدزاده، 1395).

قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب 48/10/11 که از قوانین مهم در باب مسئولیت مدنی رسانه هاست در ماده 19 هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده را ممنوع داشته است و حتی در ماده 28 این مساله تصریحاً ذکر گردیده که هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارت شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود (محمدزاده، 1395).

تبصره 1 ماده 6 در بند 20- نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از مطالب و آثار دیگران به خود یا غیر جرم دانسته است و علاوه بر مسئولیت مدنی رسانه دارای مجازات کیفری نیز میباشد و باید جبران خسارت نماید. تقلید نام یا استفاده از علامت نشریه دیگری نیز از جمله محدودیت های مطبوعات است و بند ج ماده 7 ق. م بر آن تأکید نموده است و استفاده کننده دارای مسئولیت مدنی جبران خسارت و در صورت لزوم مجازات کیفری است. تهدید اشخاص به توسط مطبوعات به موجب ماده 31 ق. م نیز جرم است و فاعل آن علاوه بر جبران خسارت ممکن است به مجازات مقرر کیفری نیز محکوم گردد (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

افشای اسرار دیگران نیز توسط رسانه و مطبوعات جرم است، گرچه در ق.م.ا در ماده 648 آمده است ولی چنانچه در مطبوعات تهدید صورت پذیرد علاوه بر مسئولیت مدنی جبران خسارت مادی و معنوی با مجازات قانونی نیز مواجه میگردند. موارد دیگری که به هر شکل

حقوق افراد را مورد تهدید قرار دهد از مصادیق نقض حق است و ممکن است موجب مسئولیت مدنی رسانه نگار یا مطبوعات گردد. در خصوص نحوه جبران خسارت در این قلمرو پرداخت ضرر مادی، الزام به درج جوابیه، عذرخواهی نیز ممکن است مورد حکم قرار گیرد (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

مسئولیت کیفری رسانه ها و مطبوعات در نظام حقوقی ایران توأم با مسئولیت مدنی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم میباشد. شخص میتواند جبران خسارت خود را ضمن مجازات کیفری تقاضا نماید، در صورت وقوع جرائم مطبوعاتی، علاوه بر مسئولیت مدنی رسانه، رسانه باید جبران خسارت نماید.

مسئولیت مدنی رسانه در قلمرو حقوق عمومی

قلمرو امنیت و نظم عمومی و رعایت نظامات اجتماعی محدودیت هایی برای رسانه و مطبوعات به همراه دارد که در صورت نقض این حدود رسانه و رسانه نگار مسئول است. در حوزه حقوق فردی خسارت به فرد وارد میشود در حالیکه اهمیت قلمرو عمومی بدان جهت است که ضرر و زیان وارده به اجتماع و نظام اجتماعی میباشد لذا قانونگذار برای صیانت از نظم عمومی همواره مجازات خاصی را مورد توجه قرار میدهد. گرچه قانون حافظ منافع افراد و جامعه است و به عبارتی حمایت از نظم عمومی حمایت از حقوق فردی نیز میباشد ولی در حوزه نظم و امنیت با گذشت شاکی دعوا پایان نمی یابد و متوقف نمیشود بلکه به عنوان جرم عمومی مورد حکم قرار میگیرد. در این حوزه معمولاً جرایمی همچون اقدام علیه امنیت کشور، افشای اسرار نظامی و سیاست خارجی، جاسوسی، توهین به مقامات و مقدسات از جمله این جرایم هستند (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

بنظر می رسد قانونگذار افتراء، توهین و هتک حرمت را نیز در ردیف هر دو مسئولیت مدنی و کیفری قرار داده است و با توجه به اینکه اکثر شکایات مطروحه علیه مطبوعات همین جرایم میباشد، تقویت مسئولیت مدنی و تأکید بر جبران خسارت با اهداف قانون و نظم عمومی و رعایت حقوق فردی به صلاح نزدیکتر باشد و بتوان بر این اساس حکم صادر کرد (سلیمی و قباد، 1394).

افراد مسئول جرایم مطبوعات در ایران

دخالت اشخاص متعدد (صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، نویسنده یا خبرنگار...) در روند کار مطبوعاتی، ماهیتی گروهی به این کار بخشیده و پیچیدگی های خاصی در مسائل حقوقی مربوط به آن پدید آورده است. از این رو، شناسایی فرد مسئول در قبال پدیده مجرمانه، یکی از مسائلی است که به واسطه سهیم بودن تمام افراد مجموعه در نتیجه کار مطبوعاتی، در ابهام فرو رفته است. با این حال، کیفیت خاص رسیدگی به جرائم مطبوعاتی (حضور هیئت منصفه در علنی بودن جلسات)، مجازات های خاص (توقیف، لغو امتیاز...) و مصونیت ها و تخفیف های ویژه در این زمینه، قانون را از شناسایی فرد مسئول ناگزیر می سازد. (محمدی، 1383)

ماده 6 قانون اصلاح قانون مطبوعات چند تبصره به این ماده اضافه کرده است که از آن جمله تبصره 7 را می توان نام برد که «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیرمسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاص که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود. ولی در رسانه های مکتوب کتاب نیز نقش عمده ای دارد در باب کتب باید قائل به این موضوع شد که گاه نویسنده متهم به ورود زیان به دیگری است و گاه سوءاستفاده از آثار منتشره سوءاستفاده کننده را بر صندلی اتهام می نشاند (محمدزاده، 1395).

1- مدیر مسئول

مدیر مسئول یکی در مراجعه به قانون مطبوعات، عنوان های مجرمانه متعددی را می توان یافت که به نسبت هر یک از آن ها مسئولیت خاصی پیش بینی شده است. با این حال، تبصره 7 ماده 9 قانون مطبوعات، مسئولیت تمامی مطالب منتشر شده در مطبوعات را در وهله اول، بر عهده مدیرمسئول گذاشته و مقرر می دارد: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود، به عهده مدیرمسئول است اما این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود». (محمدی، 1383)

پیش تر تبصره 4 همین ماده نیز مسئولیت یکایک مطالب چاپ شده و دیگر امور مرتبط با نشریه را با مدیرمسئول دانسته است. همین تبصره مسئولیت رعایت خط مشی کلی نشریه را با متوجه صاحب امتیاز دانسته و این تنها موردی است که به صراحت از مسئولیت صاحب امتیاز سخن به میان آمده است.

تبصره 7، در تأکید بر مسئولیتی که به واسطه لحن برخی از مواد، متوجه نویسندگان و افراد دیگر می‌شود، مسئولیت مدیرمسئول را نافی مسئولیت دیگران ندانسته است. (محمدی، 1383)

همان‌گونه که گفته شد به تصریح تبصره‌های 4 و 7 ماده قانون مطبوعات، مسئولیت مستقیم و اولیه جرم مطبوعاتی متوجه مدیرمسئول است. علاوه بر تصریحات یاد شده، برخی از مواد قانون مطبوعات حاکم (27، 30 و 31) نیز یادآور همین مسئولیت است. (محمدی، 1383)

برخی تصریح مسئولیت کلی مدیرمسئول را در تبصره‌های ماده 9 و تأکید بر مسئولیت کیفری او در موارد دیگر را دلیل آن دانسته‌اند که مسئولیت مطلق مورد نظر قانون‌گذار در تبصره‌های ماده 9 مسئولیت مدنی است و مسئولیت کیفری مدیرمسئول، منحصر به موارد مصرح در مواد یاد شده است. (کریمی، 1370)

در حالی که با تعریفی که از جرم مطبوعاتی ارائه شده، نشر، یکی از ارکان شکل‌گیری جرم مطبوعاتی، با اراده مدیرمسئول محقق می‌شود. از این رو مدیرمسئول یعنی کسی که آخرین حلقه سلسله علل نشر و تحقق جرم مطبوعاتی را تکمیل می‌کند، در جایگاه مسئول اصلی تحقق جرم، پاسخگوی عملی است که در حقیقت به او منتسب می‌شود. چه این اقدام ناشی از اراده و قصد باشد، چه نوعی مسامحه یا خطای کیفری. به واسطه همین نکته است که در خصوص جرائم مطبوعاتی، پیگرد مدیرمسئول بر پدیدآورنده اثر و دیگران مقدم است و شاید پیگرد آنان را بتوان تا حدودی منوط به اثبات جرم مدیرمسئول دانست. (محمدی، 1383)

2- صاحب امتیاز

قانون مطبوعات حاکم در دو مورد از مسئولیت صاحب‌امتیاز سخن گفته است. ابتدا تبصره 4 ماده 9، با اشاره به حوزه مسئولیت صاحب‌امتیاز، آن را به مسئولیت در قبال خطمشی کلی نشریه محدود می‌کند و در مقابل، مسئولیت یکایک مطالب و دیگر امور مربوط با نشریه را بر عهده مدیرمسئول می‌گذارد. (محمدی، 1383)

به رغم اعتراضاتی که مطرح می‌شود مسئولیت صاحب‌امتیاز به تصریح ماده 7 جنبه کیفری به خود می‌گیرد. در این ماده آمده است: «ماده 7. موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می‌شود: انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باید با آنچه متقاضی به نوع آن متعهد شده است...»

چنانکه ماده 14 قانون مطبوعات نیز پیش‌بینی کرده است، در صورت فوت مدیرمسئول یا استعفای او یا از دست دادن شرایط ماده 9، اگر صاحب‌امتیاز، فرد واجد صلاحیتی را حداکثر ظرف 3 ماه به وزارت ارشاد اسلامی معرفی نکند، تمام مسئولیت‌های مدیرمسئول بر عهده صاحب‌امتیاز خواهد بود. (محمدی، 1383)

3- پدیدآورنده اثر

پیش از تصویب اصلاحیه سال 1379، صریح نبودن قانون مطبوعات در خصوص مسئولیت پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی موجب شده بود که گروهی مسئولیت جرم مطبوعاتی را تنها متوجه مدیرمسئول بدانند و از پذیرش مسئولیت پدیدآورنده اثر شانه خالی کنند. (محمدی، 1383)

این در حالی بود که عمومیت برخی از مواد قانون 1364، نویسندگان و سایر پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی را نیز در بر می‌گرفت و برخی از مواد قانون نیز به صراحت از مسئولیت پدیدآورنده اثر مطبوعاتی سخن می‌گفت. علاوه بر این، برخی از قوانین دیگر کشوری نیز عنوان‌های مجرمانه‌ای در خصوص مطبوعات پیش‌بینی کرده بودند که در اکثر آن‌ها مسئولیت نویسندگان در نظر گرفته شده بود: «تولید و توزیع مطبوعات جریحه‌دار کننده عفت عمومی»، «نسبت دادن جرم غیرقابل اثبات به اشخاص»، «نشر اکاذیب» و «درج مطلب علیه نامزدهای انتخاباتی از سه روز قبل از اخذ رأی» از این جمله‌اند. (محمدی، 1383) که اصلاحیه سال 1379، در تبصره 7، در تأکید بر مسئولیتی که به واسطه لحن برخی از مواد، متوجه نویسندگان و افراد دیگر می‌شود، مسئولیت مدیرمسئول را نافی مسئولیت دیگران ندانسته است. توهین‌کننده یا مفتری، یا ناشر اکاذیب مطابق مواد 608 و 697 و 698 قانون مجازات اسلامی مستقلاً با شکایت شاکی خصوصی یا مدعی‌العموم حسب مورد قابل تعقیب می‌باشد و مسئولیت مدیرمسئول رافع مسئولیت شخص توهین‌کننده و مفتری و ناشر اکاذیب نیست و نظر قانون‌گذار ناظر به این بوده سایر دست‌اندرکاران نشریه و زیرمجموعه همکار آن به عنوان معاون یا شریک جرم نخواهند بود و همه مسئولیت آن مجموعه به تنهایی به عهده مدیرمسئول می‌باشد. (محمدی، 1383)

مسئولیت کیفری مدیرمسئولی نشریه به نحو مقرر در تبصره 4 ماده 9 قانون مطبوعات رافع مسئولیت کیفری نویسنده مطالب توهین و افترا آمیز... نیست و بزه ارتكابی نویسنده جدا از اتهام مدیرمسئول حسب مورد قابل تعقیب در دادگاه ذیصلاح خواهد بود. (محمدی، 1383)

با توجه به مبنایی که در خصوص مسئولیت پدیدآورنده اثر مطبوعاتی وجود دارد، چنین فردی اغلب به عنوان مباشر ارتکاب جرمی عادی اصالتاً مورد تعقیب قرار می‌گیرد و به تبع مدیرمسئول و در معاونت یا مشارکت در ارتکاب جرم او با وی برخورد نمی‌شود، هر چند به نظر می‌رسد تعقیب پدیدآورنده اثر، منوط به اثبات مجرم بودن مدیرمسئول خواهد بود. (محمدی، 1383)

ماده 31 قانون مطبوعات با پیش‌بینی توقیف موقت نشریه در موارد چاپ مطالب مربوط به پرونده‌ای که به اتهام تهمت و افترا یا تهدید به هتک حرمت یا افشای اسرار شخصی تشکیل شده است و مراحل تحقیق و رسیدگی را سپری می‌کند، از جمله این موارد به شمار می‌رود. (محمدی، 1383)

اشخاص متعددی در کار مطبوعات دخالت دارند مانند صاحب‌امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، نویسنده یا خبرنگار و... فرد مسئول در قبال پدیده مجرمانه در حقوق ایران عمدتاً متوجه مدیر مسئول می‌باشد اما این موضوع نافی مسئولیت عوامل دیگر از جمله صاحب امتیاز و نویسنده نیست و در مواردی نیز آنها متهم شناخته می‌شوند.

جبران خسارت جرائم مطبوعاتی

در حقوق ایران هرچند پرداخت خسارت ناشی از جرم امری پذیرفته شده است، تبصره 1 ماده 30 قانون مطبوعات نیز در خصوص انتشار مطالب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن به صراحت شاکی را مستحق درخواست جبران خسارت ناشی از جرائم یاد شده می‌داند. هرچند این تبصره نسبت به خسارات مادی و معنوی عمومیت دارد، با توجه به اینکه شورای نگهبان در زمان تصویب آن، با معایر دانستن تقویم خسارات معنوی با موازین شرعی از درج واژه معنوی (خسارات معنوی) در قانون جلوگیری کرده است، باید خسارت مورد نظر تبصره را به خسارات مادی منحصر کرد، در حالی که در اصل یک‌صد و هفتاد و یکم قانون اساسی نیز جبران مالی خسارت معنوی پیش‌بینی شده است. (محمدی، 1383)

گرچه عنوان خسارت تنبیهی بیشتر در حقوق انگلیس مطرح شده است و برای جبران خسارت اشخاص علاوه بر ضرر و زیان قاضی انگلیسی مجاز است متهم را با خسارت تنبیهی نیز جریمه نماید- اما در نظام حقوقی ایران تحت عنوان بدل از حبس جزای نقدی مورد حکم قرار می‌گیرد (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

قاضی به موجب قانون نیز میتواند مستقلاً جزای نقدی وضع کند ماده 35 ق مطبوعات که اختیار به قاضی داده شده است علاوه بر آنچه مقرر است برای جرایم و تخلفاتی که پیش بینی نشده نیز میتواند تا بیست میلیون ریال جزای نقدی جریمه وضع کند. گرچه این ماده از حیث مفاهیم کیفری محل بحث و مناقشه است ولی در خصوص صحت صدور حکم خسارت تنبیهی یا جزای نقدی بنظر میرسد قانونگذار ایران آن را پذیرفته و عملاً نیز اعمال و اجرا میکند. بنظر ما اگر مسئولیت مدنی رسانه مینا قرار گیرد در نتیجه علاوه بر جبران خسارت زیان - دیده، جزای نقدی یا خسارت تنبیهی را میتوان به نهاد یا صندوقی اختصاص داد که از این وجوه برای بهبود عملکرد و روش های رسانه ای و مطبوعاتی استفاده نماید بدین ترتیب جامعه نیز در میان مدت از آثار مثبت حکم برخوردار میشود و زمینه تعامل و توسعه مطبوعات و رعایت مبانی حقوق شهروندان نیز گسترش خواهد یافت (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

اگر مسئولیت شخصی باشد فرد موظف به جبران خسارت است و اگر فرد از توانایی کمتری برخوردار باشد بموجب ق. م. م میتوان گفت نسبت به کارفرما یا شخصیت حقوقی رسانه پیگیری کرد. مسئولیت ترتیبی یا مسئولیت تضامنی نیز در صورتیکه رسانه و رسانه نگاران و تمامی عوامل دخیل در ورود ضرر و زیان را مسئول بشناسیم طبیعی است که زیان دیده حق رجوع به هر یک از این افراد را خواهد داشت بهتر آن است که وی به کسی مراجعه کند که توانایی مالی بهتری برای جبران خسارت را دارا باشد در این حال مؤسسه و صاحب امتیاز ممکن است نفر اول بشمار آید. تأمین بیمه و پوشش بیمه مسئولیت رسانه و مطبوعات نیز میتواند برای تأمین خسارت زیان دیده بسیار مهم و مفید باشد لذا قانونگذار همانطور که بیمه کارگری را در ماده 46 اصلاحی الزام کرده است میتواند بیمه مسئولیت رسانه و مطبوعات را الزام آور کند و این تضمین کننده حق زیان دیده و جبران خسارت غیر خواهد بود (فقیه حبیبی و صفایی فر، 1393).

در حقوق ایران جبران خسارت مطبوعات به روش های مختلفی از جمله روشهای مالی صورت می‌گیرد و علاوه بر آن در زمینه های دیگر نیز سابقه این امر موجود است لیکن رسانه ها ممکن است بدلیل کارکرد ویژه خویش موظف به انجام روش دیگری برای جبران خسارت

شوند علاوه بر مواردی که در قانون برای مسئولیت مدنی به معنای عام در نظر گرفته شده است مثل جبران کامل خسارت زیان دیده - ترمیم وضعیت و بازگشت به قبل آن - کسب رضایت زیان دیده - اما فراتر از آن برای رسانه ها مواردی همچون - عذرخواهی و الزام قانونی به درج جوابیه - انتشار حکم دادگاه - امکان ارائه دیدگاه شخص زیان دیده در رسانه - جلوگیری از پخش و توزیع رسانه در صورت امکان و عدم تکرار آن (میرمحمد صادقی، 1390).

نتیجه گیری

آنچه که مبنای مسئولیت رسانه در جبران است ارتکاب مطبوعه به فعل زیانبار است که در خصوص نشریات و روزنامه ها تبصره 4 ماده 9 قانون مطبوعات آورده است مسئولیت (به معنای عام اعم از کیفری و حقوقی) مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسئول خواهد بود.

در ماده 19 قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب 48/10/11 که از قوانین مهم در باب مسئولیت مدنی رسانه هاست هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده را ممنوع داشته است و حتی در ماده 28 این مساله تصریحاً ذکر گردیده که هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسئول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارت شاکي خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می شود.

تبصره 1 ماده 6 در بند 20- نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از مطالب و آثار دیگران به خود یا غیر جرم دانسته است و علاوه بر مسئولیت مدنی رسانه دارای مجازات کیفری نیز میباشد و باید جبران خسارت نماید. تقلید نام یا استفاده از علامت نشریه دیگری نیز از جمله محدودیت های مطبوعات است و بند ج ماده 7 ق. م بر آن تأکید نموده است و استفاده کننده دارای مسئولیت مدنی جبران خسارت و در صورت لزوم مجازات کیفری است. تهدید اشخاص به توسط مطبوعات به موجب ماده 31 ق. م نیز جرم است و فاعل آن علاوه بر جبران خسارت ممکن است به مجازات مقرر کیفری نیز محکوم گردد.

افشای اسرار دیگران نیز توسط رسانه و مطبوعات جرم است، گرچه در ق.م.ا در ماده 648 آمده است ولی چنانچه در مطبوعات تهدید صورت پذیرد علاوه بر مسئولیت مدنی جبران خسارت مادی و معنوی با مجازات قانونی نیز مواجه میگردند.

در مجموع می توان گفت مسئولیت کیفری رسانه ها و مطبوعات در نظام حقوقی ایران توأم با مسئولیت مدنی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم میباشد. شخص میتواند جبران خسارت خود را ضمن مجازات کیفری تقاضا نماید، در صورت وقوع جرائم مطبوعاتی، علاوه بر مسئولیت مدنی رسانه، رسانه باید جبران خسارت نماید.

منابع

- بادینی، حسن. (۱۳۸۳). هدف مسئولیت مدنی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۶، ص ۵۵ تا ۱۱۴
- سلیمی، طاهره، قباد، احسان. (۱۳۹۴). بررسی فقهی هتک حرمت اشخاص در مطبوعات، *مطالعات فقه امامیه*، شماره ۴، ص ۶۲ - ۷۸.
- شوشی نسب، نفیسه. میرشکاری، عباس. (۱۳۹۲). تأثیر وضعیت پیشین زیان‌دیده در مسئولیت مدنی عام زبان. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۴.
- فقیه حبیبی، علی. صفایی فر، عباس. (۱۳۹۳). توسعه مسئولیت مدنی در جرائم رسانه‌ها و مطبوعات، *علوم خبری*، شماره ۹، صص ۹۰-۱۳۹
- کریمی، محمدباقر. (۱۳۷۰). *تحلیلی بر جرائم مطبوعاتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- محمدزاده، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی رسانه‌ها از منظر فقه و حقوق اسلامی، *معارف فقه علوی*، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۴۰
- محمدی، قاسم. (۱۳۸۳). مسئولیت ناشی از جرائم مطبوعاتی، *پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۳۳۷-۳۶۶. (محمدی، ۱۳۸۳: ۳۳۸)
- میر محمدصادقی، حسین. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی جرائم هتک حرمت منزل و تهدید اشخاص، *تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۴، ص ۶۷ - ۹۰
- صباغ، ماندانا. (۱۳۹۴). *بررسی فقهی - حقوقی مبانی و جایگاه مسئولیت نیابتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)
- عباسلو، بختیار. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، *دانش انتظامی*، شماره ۴۷، ص ۸۷-۱۳۰.
- قربانی، مریم. (۱۳۹۲). *مبانی مسئولیت مدنی نیابتی*، پایان‌نامه. دولتی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده حق
- میلانی، علیرضا. توسلی، قاسمعلی. (۱۳۹۴). موانع مسیولیت کیفری در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی، *مطالعات علوم اجتماعی*، شماره ۱، ص ۹۹-۱۰۸.